

مهدی فیروزیان

عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

سخن در صلاح است و تدبیر و خوی

۱۰۳-۱۰۸

نگاهی به کتاب بازخوانی فقهی امر به معروف، نهی از منکر و اجرای حدود

مهدی فیروزیان

چکیده: کتاب بازخوانی فقهی امر به معروف، نهی از منکر و اجرای حدود واپسین اثر مصطفی محقق داماد است که در سال ۱۳۹۶ توسط مرکز نشر علوم اسلامی منتشر شده است. نویسنده، نوشتار حاضر را با هدف معرفی کتاب مذکور به رشته تحریر درآورده است. وی پس از ذکر کلیاتی درباره اهمیت کتاب، به اختصار به بررسی محتوای پنج گفتار کتاب («تعریف معروف و منکر»، «حکم امر به معروف و نهی از منکر»، «شرایط امر به معروف و نهی از منکر»، «مراتب انکار» و «اقامة حدود») پرداخته است. همچنین، پیرامون هفت پیوست پایانی کتاب وصفی مختصر به دست داده است.

کلیدواژه: امر به معروف و نهی از منکر، فقه شیعه، بازخوانی فقهی، اجرای حدود، مصطفی محقق داماد، معرفی کتاب.

Having a Look at Jurisprudential Re-reading of Enjoining Good and Forbidding Wrong and Carrying out Hodud (Limits)

By: Mahdi Firoozian

Abstract: Jurisprudential Re-reading of Enjoining Good and Forbidding Wrong and Carrying out Hodud (Limits) is the latest work of Mostafā Mohaghegh Dāmād, published in 1396 by the Islamic Science Publishing Center. The author has written the present article with the aim of introducing the book. After mentioning the importance of the book, he briefly reviews the content of the five sections of the work: “Good and wrong definition”, “the decree of enjoining good and forbidding wrong”, “the conditions of enjoining good and forbidding wrong”, and “carrying out Hodud”. Also, he has briefly explained about the seven last attachments of the book.

Key words: enjoining good and forbidding wrong, Shia jurisprudence, jurisprudential re-reading, Mostafā Mohaghegh Dāmād, book report.

إطالة على كتاب مراجعات فقهية في الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر

وإقامة الحدود

مهدی فیروزیان

صدر أخيراً (سنة ۱۳۹۶ ش) عن مركز نشر العلوم الإسلامية كتاب بازخوانی فقهی امر به معروف، نهی از منکر و اجرای حدود (= مراجعات فقهية في الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر وإقامة الحدود)، وهو أحدث تأليفات مصطفى المحقق داماد.

والمقال الحالي يستهدف التعريف بالكتاب المذكور، يبدأ الكاتب فيه بالإشارة إلى بعض النقاط العامة عن أهمية الكتاب، ثم ينتقل للحديث باختصار عن محتويات مقالات الكتاب الخمسة، وهي: (تعريف المعروف والمنكر)، (حكم الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر)، (شروط الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر)، (مراتب الإنكار) و (إقامة الحدود). كما يتضمن المقال وصفاً مختصراً لملاحق الكتاب السبعة الموجودة في آخره.

المفردات الأساسية: الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، فقه الشيعة، مراجعات الفقهية، إقامة الحدود، مصطفى المحقق داماد، تعريف الكتاب.

سخن در صلاح است و تدبیر و خوی

مهدی فیروزیان

عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

اشاره

بازخوانی فقهی امر به معروف،
نهی از منکر و اجرای حدود؛
سیدمصطفی محقق داماد؛ تهران:
مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۶. ۲۶۰
صفحه.

واپسین اثر ارجمند خامه روشنگر حضرت آیت الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد، کتابی است با نام بازخوانی فقهی امر به معروف، نهی از منکر و اجرای حدود که به تازگی توسط مرکز نشر علوم اسلامی منتشر شده است. نویسنده معرفی نامه پیش رو پس از ذکر کلیاتی درباره اهمیت کتاب، به بررسی کوتاه و فشرده پنج گفتار موجود در کتاب («تعریف معروف و منکر»، «حکم امر به معروف و نهی از منکر»، «شرایط امر به معروف و نهی از منکر»، «مراتب انکار» و «اقامه حدود») پرداخته و کوشیده است چکیده‌ای از مباحث و نتایج به دست آمده از آنها را برای خوانندگان با زبانی ساده نقل کند. او همچنین درباره هفت پیوست پایانی کتاب وصفی مختصر به دست داده است.

حضرت آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد، از چهره‌های نامدار حوزه و دانشگاه، که کتاب‌های ایشان از جمله قواعد فقه (۴ جلد)، مباحثی از اصول فقه (۳ جلد)، روشنگری دینی (۲ جلد)، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، بررسی فقهی حقوق خانواده و... در چند دهه گذشته چراغ راه دانش پژوهان آبخشور آموزشی دانشگاه‌های کشور بوده است، با شناختی ژرف که از نیازهای روز جامعه اسلامی دارد، این بار به سراغ موضوعی مهم چون امر به معروف و نهی از منکر رفته است. فقه شیعه همواره در بزنگاه‌های تاریخی نشان داده است که با پویایی و جویایی می‌تواند بر بنیاد ریشه‌های استوار قرآن و سنت و احادیث، نیازهای روز را به خوبی در یابد و در هرتنگنا و دشواری، به گره‌گشایی از راه اندیشه‌ورزی بپردازد. در جهان کنونی که هر کس از سویی پرچمی افراشته و به نام اسلام تیشه به ریشه دین می‌زند و در روزگاری که با رسیدن گزارش‌های پیاپی انفجار و انتحار، حتی شنیدن گلبانگ «الله اکبر» در کوچه و خیابان کشورهای اروپا و آمریکا آفریننده هراس همگانی تواند شد، مسلمانان باید بیش از پیش به رفتار خود و بنیادهای پندار خود بیندیشند و در راستای آشکار ساختن باورها و برداشت‌های خویش از دین بکوشند تا چهره‌ای خشن و زشت که به دست پیشوایان نابخرد و تندرو و افسارگسیختگان پیرو از اسلام به نمایش درآمده است با نمایشی که از رویه مهرورزی و آسانگیری و میانه‌روی به دست توان داد تا اندازه‌ای فراموش شود. زهر نابخردی را تنها با پادزهر اندیشه‌گرایی چاره‌توان کرد. امروز رفتار مسلمانان زیر هزار ذره بین کوچک و بزرگ است و هر گونه کژروی یا فراخ‌روی، با هر رویکرد و انگیزه‌ای، آسیبی سخت بر پیکره پیوندهای همگرایانه انسانی یا حتی باورهای همگانی تواند رساند. با آگاهی از نکته‌های پیش‌گفته اهمیت کتاب نام‌برده در چشم پژوهندگان دلسوز نمود برجسته‌تری می‌یابد.

نویسنده دانشمند دو دهه پیش از این، سنگ نخست ساختمان استواری را که در کتاب با آن روبه‌رویم در مقاله‌ای علمی-پژوهشی با نام «حدود در زمان ما اجرا یا تعطیل؟» (نک: منابع) نهاده و سپس در کتاب قواعد فقه جزایی زیر نام «قاعده اجرای حدود» بار دیگر بدان پرداخته و سرانجام در کتاب بازخوانی فقهی امر به معروف، نهی از منکر و اجرای حدود آن سخنان سنجیده را نیک و اشکافته و درگسترده است. کتاب با مقدمه‌ای کوتاه آغاز می‌شود که بر تارک آن دو بیت از بخش آغازین باب هفتم بوستان سعدی می‌درخشد:

لطف، آن را عقلی می‌شمارند. در کنار این دو گروه، برخی آن را هم شرعی و هم عقلی می‌خوانند. نویسندگان پس از بررسی مستند فقها در هر دو گروه، با پذیرش عقلی بودن وجوب امر و نهی بر آن است که اگر برداشت ما از امر و نهی دخالت موردی در زندگی دیگران و تحمیل نظر شخصی خود به آنان باشد، امر و نهی از دید عقلی پسندیده نخواهد بود و تنها اگر برداشت ما داشتن اخلاق مراقبتی باشد، عقل آن را خواهد پسندید. (ص ۲۰) ایشان سپس با نقد نظریه عینی بودن وجوب امر و نهی، بر پایه برداشتی که به استناد روایت مسعود بن صدقه از حضرت امام صادق (ع) از دو آیه شریفه (آل عمران، ۱۰۴-اعراف، ۱۵۹) به دست می‌آید، وجوب را کفایی می‌داند. (ص ۲۲) درباره حکم امر به واجب و مستحب و تفاوت آن دو نظر انتقادی و دریغ‌آمیز نویسنده آن است که ریشه آشفتگی‌ها در زمینه مستحبات و مکروهات را باید در نظریه «تسامح در ادله سنن» جست که با ارج نهادن بر هر روایتی که سند یا حتی گاه محتوای استواری ندارد راه را برای ورود مسائل غیر معقول و خرافی به دستگاه اندیشه دینی گشوده است. (ص ۳۸) از همین رو و با درهم ریختن مرزهای میان واجب و حرام و مستحب و مکروه، همین که بگوییم امر به واجب و نهی از حرام، واجب است و امر به مستحب و نهی از مکروه، مستحب است، تکلیف مؤمنان به طور دقیق و مصداقی مشخص نمی‌شود. پیشنهاد پایانی نویسنده بر پایه آیات و روایات، توجه به «رفق» در امر و نهی است.

گفتار سوم درباره «شرایط امر به معروف و نهی از منکر» است و در آن به یادکرد شش شرط برای وجوب امر و نهی و نقد و بررسی ادله هریک از شروط پرداخته شده است. شرط‌های شش‌گانه از این قرارند:

۱. علم و آگاهی به معروف و منکر: شرطی عقلی است؛ زیرا اگر چنین نباشد چه بسا شخص دچار لغزش شود و ناخواسته و نادانسته امر به منکر و نهی از معروف کند. برخی گفته‌اند آگاهی می‌تواند نه از راه شناخت ادله شرعی که بر پایه تقلید باشد. نویسنده ارجمند مفسده سپردن مراحل عملی امر و نهی به دست مقلدان را با آوردن شش نمونه تاریخی (توهین به صدرالمتهلین، میرزا محمد رضا قمشه‌ای، میرزا رضی لاریجانی، تهدید صدرالمتهلین، قتل مردی متهم به دست مردم در زمان زندگی شیخ عبدالکریم حائری یزدی و سرانجام تندروی‌ها در زمان ما و صدور فرمان هشت ماده‌ای به دست امام خمینی (ره) برای جلوگیری از تندروی‌ها) آشکار ساخته است (ص ۶۲-۵۱). ایشان در دنباله افزون بر لغزش‌های

تو با دشمن نفس هم‌خانه‌ای
چه در بند پیکار بیگانه‌ای؟

تو خود را چو کودک ادب کن به چوب
به گرز گران مغز مردم مکوب^۱

کتاب که به شیوه‌ای آراسته و پیراسته به چاپ رسیده، گذشته از مقدمه و پیوست‌ها (هفت پیوست که در دنباله از آنها یاد خواهیم کرد) دربردارنده پنج گفتار است که برای شناساندن هریک از آنها جداگانه سخنی چند خواهیم گفت:

گفتار نخست، ویژه «تعریف معروف و منکر» است. محقق در نقد و بررسی پایانی این گفتار کوتاه می‌نویسد:

به نظر می‌رسد معروف و منکر مفهومی بسیار وسیع دارد و تمام کارهایی را که برای زندگی مؤمنانه یک فرد با ایمان نقش مثبت یا منفی دارد، اعم از دنیوی و اخروی، شامل می‌گردد. در زندگانی انسان معاصر به یقین بسیاری از کارها برای بهینه شدن زندگی اجتماعی نیاز به همکاری و تأیید دسته جمعی دارد و قبل از هر چیز مبتنی بر فرهنگ سازی است. مثلاً تحقق نظم در رانندگی یا حفظ محیط زیست بدون آمادگی افراد جامعه و ایجاد فضای فکری برای پذیرش این امور امکان ندارد. رعایت بهداشت عمومی و امثال آنها، همه و همه، از این قبیل مفاهیم است. این دسته امور بی‌تردید از مصداق امر به معروف و نهی از منکر است. به هیچ وجه در اینجا نمی‌توان میان مستحب و واجب تفاوت قائل شد و شاید برخی امور که به جهات فقهی ممکن است معنون به عنوان واجب نباشند، به منظور فضا سازی نسبت به امور نیکو امری بایستنی محسوب گردد. (ص ۱۴)

گفتار دوم درباره «حکم امر به معروف و نهی از منکر» است. درباره وجوب امر و نهی فقها بر دو دسته‌اند. گروهی بر پایه آیات، روایات و وجدان وجوب را شرعی می‌دانند و گروهی بیشتر بر پایه قاعده

۱. به جای «مردم» (که شاید به پسند امروزیان خوش تر باشد و به خوبی رساننده مفهومی است که نویسنده گرامی پیش چشم دارد) در ویراسته فروغی (کلیات شیخ سعدی، ص ۲۸۴) و یوسفی (بوستان سعدی، ص ۱۵۳) «مردان» آمده است. گفتنی است نامی که ما برای یادداشت خود برگزیده‌ایم نیز مصرعی از بیت نخست باب هفتم بوستان (بیت پیش از «تو با دشمن نفس...») است:

سخن در صلاح است و تدبیر و خوی

نه در اسب و میدان و چوگان و گوی (همان، همان جا)

انجام گرفتن آن و درخواست از خداوند برای هدایت عامل منکرو تارک معروف را هم بدان افزوده‌اند. بغض داشتن به خاطر خداوند و اظهار کراهت را نیز در این زمینه ذکر کرده‌اند.

۲. انکار گفتاری (لسانی): از بیان نرم و لطیف آغاز می‌شود و به مراتب بعدی مانند لحن شدید و خشمناک می‌رسد و حتی می‌تواند با تهدید همراه شود. به سه دلیل اجماع، آیه ۹ سوره حجرات و قاعده حرمت ایذای مؤمن رعایت ترتیب مذکور الزامی است.

۳. انکار کرداری (بیدی): در کنار اقسامی چون حایل شدن بین عامل و عمل منکر، اخذ آلت فعل منکر یا شیء حرام، نگه داشتن عامل، داخل شدن در منزل یا ملک و تصرف در اموال منقول وی، محقق حلی سه قسم انکار کرداری را ذکر کرده که محقق داماد حکم هر یک را بررسی کرده است:

الف) زدن بدون جراحت: نویسنده نظر گروهی از فقها را می‌پسندد که چنین انکاری را نیازمند اذن امام (ع) یا قائم مقام وی می‌دانند. او می‌گوید:

به نظر می‌رسد در جامعه متمدن که شهروندان در کنار یکدیگر در حال زیست اجتماعی هستند، اجازه دادن به ایراد ضرب بردیگری هر چند به انگیزه خیر فاقد وجهت منطقی و عقلی است. نمی‌توان پذیرفت که جلوگیری از کار زشت یا رواج کار نیک خود موجب بی‌نظمی و هرج و مرج گردد. (ص ۱۲۳)

ب و ج) زدن همراه با جراحت و قتل: گروهی به وجوب چنین انکاری باور دارند و در برابر آن گروهی قائل به سقوط وجوب، استدلال می‌کنند که اصل بر عدم وجود امر و نهی در این گونه از انکار است. با قتل عامل منکر یا تارک معروف، عملاً امر و نهی عملاً تأثیری در وی نمی‌گذارد و این کار «به قول معروف، برای حل مسئله، صورت مسئله را پاک کردن است». (ص ۱۲۴) قیاس مؤمنان با پیامبر و ائمه در چنین مواردی قیاس مع الفارق است و درباره تشویق ائمه به این امر نیز باید توجه داشت که مخاطب چنین روایاتی همه مردم نیستند و اصولاً این گونه از امر و نهی محدود می‌شود به ائمه و قائم مقام‌های ایشان که مسئولان حدود و جنگ با بغات و جهاد با کفارند.

گفتار پنجم درباره «اقامه حدود» و دارای دو مبحث کلی است:

مقلدان، به اشتباهاتی که از مقلدان متوغل در فقه و فقهات سر زده نیز اشاره کرده و همچنین به طرح مباحثی در زمینه اینکه «علم شرط وجوب است یا شرط واجب» و مبحث «طریق علم»، «آگاهی مرتکب منکر و تارک معروف» و «آثار قضایی» پرداخته است.

۲. احتمال تأثیر: چهار احتمال متصور است. در صورت علم به تأثیر، امر و نهی واجب است و در صورت علم یا ظن به عدم تأثیر، امر و نهی واجب نیست. در سه صورت یادشده میان فقها اتفاق نظر وجود دارد؛ لیک در صورت ظن به تأثیر، برخی به وجوب و برخی به عدم وجوب قائل‌اند.

۳. اصرار مرتکب بر عمل حرام و ترک واجب: اگر مرتکب، آشکارا قصد ترک عمل را داشته باشد، امر و نهی واجب نیست و در صورت وجود اماره قطعیه بر قصد تکرار، امر و نهی وجوب می‌یابد. در زمینه وجود اماره ظنیه میان علما اختلاف افتاده است که نویسنده به بررسی آنها پرداخته و گذشته از آن، مسائلی را هم در زمینه شرط سوم ذکر کرده است.

۴. اطمینان بر عدم مفسده و ضرر: به استناد قاعده لاضرر، قاعده نفی حرج، روایت سهله و سمحه بودن دین، ادله یسرو روایات متعدّد دیگر (از جمله روایت فضل بن شاذان از حضرت امام رضا (ع) و روایت مفضل بن زید از حضرت امام صادق (ع)) وجوب امر و نهی با وجود مفسده و ضرر (اعم از جانی و مالی و عرضی)، ساقط خواهد شد.

۵. متجنتب و عادل بودن امر و ناهی: به استناد دست‌کم سه آیه شریفه (بقره، ۴۴- صف، ۲ و ۳) و روایات زیادی که در این خصوص وارد شده است، اگر امر و ناهی متجنتب از حرام و عادل نباشد، امر و نهی بروی واجب نیست. هر چند درباره شرط عدالت امر و ناهی اتفاق نظر میان فقها وجود ندارد، کاملاً موجه و منطقی است که امر می‌باید عامل به معروف باشد و ناهی لازم است خود نیز منکری را که به ترک آن توصیه می‌کند، ترک کرده باشد.

۶. مکلف بودن: برخی افزون بر بلوغ امر و ناهی که در آن تردیدی نیست، بلوغ شخص مأمور و منهی را نیز شرط وجوب امر و نهی دانسته‌اند.

گفتار چهارم درباره «مراتب انکار» است که سه مرحله دارد:

۱. انکار درونی (قلبی): گروهی خواست از انکار قلبی را اعتقاد به وجوب و حرمت دانسته‌اند و برخی عدم رضایت به معصیت و

آمران به معروف و ناهیان از منکر در افغانستان و ایران، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و نقدی بر آن و ذکر یک نمونه از احکام قصاص (اجرای حکم قصاص توسط سید محمدباقر شفتی) آمده است.

در پایان کتاب، پس از فهرست منابع، فهرست نام اشخاص، عناوین کتاب‌ها و مقالات و فهرست آیات قرآن کریم آمده است.

در یک سخن، برآنیم که جناب محقق داماد با دقت، فراست و شجاعتی که زینده مقام والای مجتهدی حقوق دان و آگاه است، با اندیشیدن به سرنوشت اسلام و وضعیت جامعه اسلامی در جهان کنونی، دست به قلم برده و کار ایشان خود نوعی امر به معروف و نهی از منکر در بعد کلان آن است و کتاب معرفی شده شایسته توجه همه مسئولان و دغدغه‌مندان و دلسوزان است. به شیوه نویسنده گرامی که کتاب را با دو بیت از سرآغاز باب هفتم بوستان سعدی آغاز کرده، نوشته را با واپسین بیت از همان سرآغازنامه به پایان می‌بریم:

نخواهم درین نوع گفتن بسی
که حرفی بس از کار بندد کسی
(بوستان سعدی، ص ۱۵۳)

کتابنامه

محقق داماد، سیدمصطفی؛ بازخوانی فقهی امر به معروف، نهی از منکر و اجرای حدود؛ تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۶.

بوستان سعدی؛ تصحیح و توضیح غلام حسین یوسفی؛ تهران: سخن، ۱۳۷۵.

محقق داماد، سیدمصطفی؛ «حدود در زمان ما اجرا یا تعطیل؟»؛ تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۵-۲۶، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص ۶۱-۷۸.

کلیات شیخ سعدی؛ تصحیح محمدعلی فروغی؛ تهران: علمی، ۱۳۲۰.

۱. اقامه حدود در زمان حضور امام (ع) بر غیرومی یا قائم مقامش مجاز نیست.

۲. اقامه حدود در زمان غیبت امام (ع) به دو بخش خاص و عام تقسیم می‌شود.

به طور خاص سه دسته (مولی نسبت به عبدش، پدر نسبت به فرزندش و شوهر نسبت به همسرش) دارای جواز اقامه حدود شمرده شده‌اند. در زمان ما بحث درباره دستة نخست (مولی و عبد) به دلیل انتفاء موضوع قلیل‌الفائده خواهد بود. اما درباره دستة دوم و سوم (پدر و شوهر نسبت به فرزند و زن) قول قائلان به عدم جواز از نظر نویسنده اقواست.

به طور عام حکم اقامه حدود توسط ولی جائز و فقیه بررسی شده است. اکثر فقها در حال غیر اضطرار حکم به عدم جواز اقامه حدود به دستور ولی جائز داده‌اند و به اتفاق در حال اضطرار آن را، مشروط بر این‌که منجر به قتل ظالمانه نشود، جایز شمرده‌اند. درباره اقامه حدود توسط فقیه گروهی موافق و گروهی مخالف و جواب‌اند که استدلال‌های هر دو گروه در کتاب آمده است.

پس از گفتار پنجم، به بخش پیوست‌های کتاب می‌رسیم که دارای هفت پیوست است. پیوست نخست همان مقاله «حدود در زمان ما اجرا یا تعطیل؟» است که پیش‌تر از آن یاد شد. نویسنده گرانمایه پیش از نقل متن مقاله در توضیح دیدگاه کنونی خود می‌نویسد:

نگارنده در زمان تألیف مقاله نظر قطعی انتخاب نکردم و نظریات و استدلال‌ات طرفین به خصوص نظریه فقیه قرن معاصر مرحوم حاج سیداحمد خوانساری را گزارش کردم. ولی در لحظه نگارش این سطور که طرفداران سینه‌چاک اجرای حدود منتهی به جرح و قتل هر چه داشتند به میدان آوردند و من بدون هرگونه جانبداری و تعصب، در مکتوبات انتقادی مذاقه کردم، اینک در نظریه تعطیل تردیدی ندارم. (ص ۱۴۹)

پیوست دوم تحقیق و تحلیل در اقوال فقیهان در مسئله اجرای حدود در زمان غیبت است. پیوست سوم بازخوانی مقبوله عمر بن حنظله است که قائلان به جواز اقامه حدود توسط فقیه در زمان غیبت، برداشت خود را به آن مستند می‌کنند و نویسنده درباره مقبوله مذکور و حدود دلالت آن نقدی دقیق دارد. در پیوست‌های چهارم تا هفتم نیز چند گزارش از منابع خبری درباره تندروی‌های